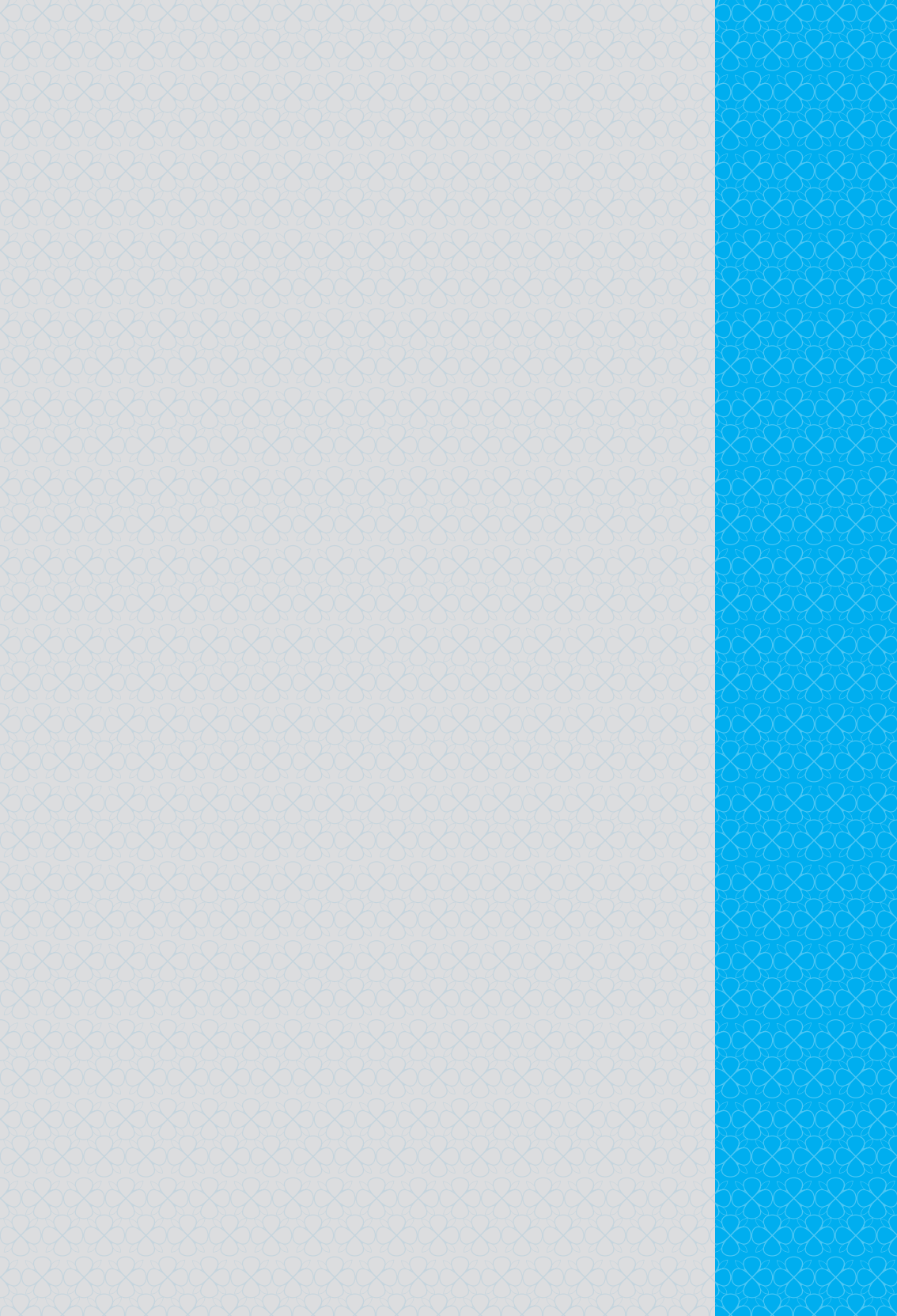


سبحان



صعود پیل سالہ ۲

در نزدیکی قہ

صعود چهل ساله در زوکی قله



اندیشکده راهبردی سهداء

زیر نظر: سید محمد حسین راجی

نویسندگان:

سید محمدرضا خاتمی و محسن فوجی

سایر پژوهشگران: سجاد کمالی نیا، حامد حسین زاده، محمد جواد هاشمیان، مهدی طالبی، مهدی کیانی، سید محمد مهدی مهدی زاده، موسی الرضا سلطان زاده، محمد جواد مقیم زاده، فضل الله طاهری، مریم سادات مجتهد سیستانی، سکینه دهدادگاری، فاطمه شالچیان، آمنه خسروی، یگانه شیرازی، مانده صفایی، وجیهه نشاطی.

صفحه آرا: محمد صادق صالحی؛ طراح جلد: مهدی سیاه مر.

ناشر: اندیشکده راهبردی سهداء

شابک: ۹-۳-۹۵۱۱-۶۲۲-۹۷۸ قیمت: ۱۹۵,۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: دوم / ۱۴۰۲ تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

سامانه فروش کتاب اندیشکده راهبردی سهداء www.soada.ir/shop

فهرست

مقدمه	۱۳
بخش اول	
مراحل صعود ابرقدرت‌ها	۱۵
فصل اول هلند	۱۷
وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن	۱۹
۱. انقلاب برای استقلال	۲۰
۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها	۲۲
الف- جنگ خارجی	۲۲
ب- ترور رهبران	۲۳
ج- فشار و تحریم اقتصادی	۲۳
۳. پیشرفت علمی و پر کردن شکاف فناورانه	۲۴
۴. تولید محصول فناورانه با رویکرد جایگزینی واردات	۲۷
۵. حمایت از تولید داخلی و کاهش ناترازی تجاری	۲۷
۶. مدیریت نقدینگی و روزآمدسازی ساختارها	۲۸
سوداگری دلان و انتظارات تورمی	۲۹
۷. صادرات محوری و گسترش بازارهای جهانی	۳۱
۸. سهم بالا از بازارهای جهانی و تبدیل شدن واحد پول ملی به ارز ذخیره جهانی	۳۳
فصل دوم بریتانیا	۳۷
وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن	۳۹
۱. انقلاب برای استقلال	۴۱
۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها	۴۲

۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناورانه	۴۳
۴. تولید محصول فناورانه و انقلاب صنعتی	۴۵
۵. حمایت از تولید داخل	۴۶
سیاست‌های حمایتی والپول	۴۷
۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها	۵۰
۷. صادرات محوری و توسعه بازارهای جهانی	۵۳
۸. تبدیل ارز پوند به ارز ذخیره جهانی و تعریف نظم نوین	۵۵
فصل سوم	
ایالات متحده آمریکا	۶۱
غیر قابل تحمل شدن هزینه‌های وابستگی	۶۳
۱. انقلاب برای استقلال	۶۵
۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها	۶۵
۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناورانه	۶۷
۴. تولید محصول فناورانه و جایگزینی واردات	۶۹
۵. حمایت از تولیدات داخلی و کاهش ناترازی تجاری	۷۲
الکساندر همیلتون؛ آغازگر حمایت از تولید داخلی در آمریکا	۷۲
تاریخچه بررسی نرخ تعرفه‌های واردات در آمریکا	۷۳
تصویب قانون تعرفه بر واردات و افزایش آن طی سال‌های متمادی	۷۳
کاهش نرخ تعرفه‌ها و افت رشد اقتصادی	۷۴
آبراهام لینکلن، منجی بزرگ	۷۴
۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها	۷۴
۷. صادرات محوری و توسعه بازارهای جهانی	۷۶
۸. تبدیل ارز دلار به ارز ذخیره جهانی و سهم بالا از تجارت جهانی	۷۷
فصل چهارم	
آلمان	۸۵
غیر قابل تحمل شدن هزینه‌های وابستگی	۸۷
۱. انقلاب برای استقلال اقتصادی	۸۸
۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها	۸۸
۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناورانه	۸۹
۴. تولید محصول فناورانه و جایگزینی واردات	۹۰
۵. حمایت از تولید داخل	۹۰

۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها	۹۲
۷. صادرات محوری و ورود به بازارهای جهانی	۹۴
۸. سهم بالا از تجارت جهانی و تبدیل شدن ارز ملی به ارز ذخیره جهانی	۹۴

بخش دوم

مسیر طی شده توسط ایران	۹۹
وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن	۱۰۱
دوران قاجار	۱۰۱
سلطه دولت‌های استعمارگر بر اقتصاد ایران	۱۰۳
نابودی تولید داخلی ایران	۱۰۴
نا ترازوی تجاری	۱۰۵
کاهش ارزش پول	۱۰۶
قحطی ایران نتیجه سیاست‌های روس و انگلیس در دوران جنگ جهانی اول	۱۰۷
دوران رضاشاه پهلوی	۱۰۹
سلطه اقتصادی انگلیس در دوران رضا شاه	۱۰۹
وابستگی اقتصادی به آلمان	۱۱۴
کاهش ارزش پول	۱۱۴
بحران جنگ جهانی دوم و کاهش ارزش پول در یک اقتصاد وابسته	۱۱۷
نتایج اقتصاد وابسته دوران رضاشاه در زندگی مردم	۱۱۹
دوران محمدرضا شاه پهلوی	۱۲۱
اقتصاد پس از کودتا	۱۲۱
افزایش قیمت نفت	۱۲۳
انتخاب مسیر خرج کردن افزایش درآمدهای نفتی	۱۲۳
برنامه‌های ایران برای استفاده از درآمدهای نفتی و نتایج آن	۱۲۴
رشد تصنعی و وارونه صنعت	۱۲۷
نتایج سیاست‌های اقتصادی محمدرضا پهلوی در زندگی مردم	۱۳۰
۱. انقلاب برای استقلال	۱۳۲
تلاش‌های امیرکبیر برای استقلال کشور و رهایی از وابستگی	۱۳۳
فرمان آزادی استخراج معادن	۱۳۳
فرستادن صنعتگران به روسیه و عثمانی برای کسب مهارت‌ها	۱۳۴
حمایت امیرکبیر از کارخانه‌های داخلی	۱۳۵
تولید ملی، محور سیاست امیرکبیر	۱۳۶
تلاش‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت برای استقلال و رهایی از وابستگی	۱۳۷

تلاش‌های مصدق در برابر بحران‌سازی‌های دشمنان	۱۳۸
وابستگی ۴۰ ساله؛ زمینه‌ساز انقلاب بزرگ اسلامی	۱۴۰
۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها	۱۴۲
الف- تهدیدات امنیتی و نظامی و تحمیل جنگ خارجی	۱۴۳
برخی از فشارها و توطئه‌ها علیه حرکت تمدنی ج.ا.ا.	۱۴۴
ب- ترور رهبران	۱۴۶
ج- فشار و تحریم اقتصادی:	۱۴۸
راز مقاومت ایران در برابر توطئه‌های امنیتی، نظامی و اقتصادی	۱۶۸
وحدت	۱۶۸
اتکای به مردم	۱۶۹
حاکمیت قانون	۱۷۰
تقویت بنیه نظامی	۱۷۱
توجه به علم و فناوری	۱۷۲
۳. پیشرفت علمی و پر کردن شکاف فناوریانه	۱۷۲
الگوی پیشرفت علمی	۱۷۳
الگوی پیشرفت علمی از دیدگاه امام <small>علیه السلام</small>	۱۷۳
الگوی پیشرفت علمی از دیدگاه امام خامن‌ای <small>علیه السلام</small>	۱۷۴
توجه به علم و فناوری و هدف‌گذاری کلان مرجعیت علمی در اسناد بالادستی کشور	۱۷۶
علم، فناوری و تحقیق و نوآوری در قانون اساسی	۱۷۶
مرجعیت علمی و فناوری در نقشه جامع علمی کشور	۱۷۷
مرجعیت علمی و فناوری در سیاست‌های کلی نظام در علم و فناوری	۱۷۹
مرجعیت علمی و فناوری و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۱۷۹
گام‌های مهم ج.ا.ا. برای استقلال علمی	۱۸۰
ریشه‌کنی بی‌سوادی؛ نخستین گام	۱۸۰
دهه ۷۰: نخستین گام‌ها در استقلال علمی و فناوریانه کشور	۱۸۱
دهه ۸۰: تعقیب هدفمند توسعه علمی و فناوریانه	۱۸۲
دهه ۹۰: توسعه زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی	۱۸۳
انتخاب یک مسیر مطمئن برای پیشرفت علمی	۱۸۳
مرحله اول: آموزش محوری	۱۸۴
مرحله دوم: پژوهش محوری	۱۸۹
۴. تولید محصول فناوریانه با رویکرد جایگزینی واردات	۲۰۴
مرحله سوم: دانشگاه فناور و تولید فناوری	۲۰۴
مرحله چهارم: تبدیل فناوری به ثروت	۲۱۱

گزارش سال ۲۰۲۱ یونسکو درباره رشد و پیشرفت شرکت‌های دانش بنیان	۲۱۳
فتاوری نانو الگوی موفق تبدیل دانش به فتاوری و فتاوری به ثروت	۲۱۹
۵. حمایت از تولید داخلی و کاهش ناترازی تجاری	۲۲۳
میزان صادرات محصولات با تکنولوژی متوسط و بالا	۲۲۵
میزان تولید محصولات با ارزش افزوده	۲۲۶
۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها به نفع تولید	۲۳۵
کنترل و مدیریت نقدینگی	۲۳۵
تلاش برای رفع کسری بودجه	۲۴۰
کاهش هزینه‌های تولید با کاهش تورم تولیدکننده	۲۴۱
هدایت اعتبار و نقدینگی	۲۴۲
رفع ناترازی نظام بانکی	۲۴۴
حذف حاشیه امن ابریده‌کاران بانکی	۲۴۴
رفع ناترازی بانک‌ها	۲۴۵
خروج بانک‌ها از زیان‌دهی	۲۴۵
روزآمدسازی ساختارها	۲۴۶
اصلاح ساختار بودجه	۲۴۶
اصلاح سازوکارها با هدف تسهیل فضای کسب و کار	۲۵۱
اصلاح ساز و کارهای خصوصی سازی	۲۵۴
اصلاح ساختارهای فسادزا	۲۵۵
۷. صادرات محوری و گسترش بازارهای جهانی	۲۶۰
آمارهای صادرات دانش بنیان	۲۶۲
نمونه‌هایی از صادرات دانش بنیان کشور	۲۶۳
صادرات شرکت‌های دانش بنیان پزشکی	۲۶۳
صنعت نانو	۲۶۴
ریات جراح سینا	۲۶۵
استفاده از ظرفیت دانش بنیان صنعت نفت جهت بازسازی ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی	۲۶۵
خانه‌های نوآوری و فتاوری ایران در دنیا	۲۶۷
خدمات صادراتی به شرکت‌های دانش بنیان	۲۶۸
باشگاه سرآمدان صادرات دانش بنیان	۲۶۹
اقدامات جمهوری اسلامی در ۱۴۰۰ به بعد در جهت افزایش صادرات و تجارت جهانی	۲۷۰
الف: تضمین پرداخت‌ها	۲۷۰
ب: تسهیل پرداخت‌ها	۲۷۰
ج: تکمیل زنجیره تأمین	۲۷۱

«فرصت ۱۰۰۰ میلیارد دلاری» در اقتصاد ایران	۲۷۱
۸. سهم بالا از بازارهای جهانی و تبدیل شدن واحد پول ملی به ارز ذخیره جهانی	۲۷۳

بخش سوم

افول ابرقدرتها ۲۷۷

افول امپراتوری هلند	۲۸۰
افول امپراتوری بریتانیا	۲۸۲
افول آمریکا و دیدگاه اندیشمندان	۲۸۳
نظریه ری دالیو در مورد افول آمریکا با استدلال الگوی ۱۸ مرحله‌ای	۲۸۳
کاهش بهره‌وری	۲۸۴
فزون‌گستری بیش از توانایی	۲۸۶
کاهش رقابت‌پذیری	۲۸۷
افزایش نابرابری	۲۸۸
افزایش گسترده بدهی‌ها	۲۹۰
چاپ پول	۲۹۲
درگیری‌های داخلی	۲۹۳
کاهش ذخایر ارزی	۲۹۵
ضعف در مدیریت و رهبری	۲۹۶
جنگ شهری و فراهم شدن بستری برای انقلاب‌ها	۲۹۷
دیدگاه فریدمن و هرتز در مورد افول آمریکا با استدلال شکاف طبقاتی	۳۰۰
دیدگاه آلفرد مک کوی در مورد افول آمریکا با استدلال عناصر سه‌گانه	۳۰۲
دیدگاه افکار عمومی آمریکا در مورد فروپاشی ایالات متحده	۳۰۳
دیدگاه یوشکا فیشر درباره افول غرب با استدلال ضعف‌های داخلی غرب	۳۰۳
دیدگاه مایکل پمبروک در مورد افول آمریکا با استدلال بی‌توجهی این کشور به حقوق بین‌الملل	۳۰۵
دیدگاه جیمز پتراس در مورد افول آمریکا با استدلال صدمات لابی صهیونیسم بر آمریکا	۳۰۶

بخش چهارم

تفاوت‌های پیشرفت اسلامی ایرانی با توسعه غربی ۳۰۷

الف- پایبندی به معنویت و اخلاق	۳۰۹
همه چیز فدای اقتصاد	۳۱۲
رشد اقتصادی، ماحصل تجارت جنسی	۳۱۴
سران حکومت، طلاپه‌دار فساد اخلاقی	۳۱۵
ب- عدالت	۳۱۹

نادیده گرفتن عدالت در مسیر توسعه ابرقدرت‌ها	۳۲۱
اقتصاد ابزار عدالت در ایران	۳۲۳
ج- پایبندی به اصول انسانی در روابط بین‌الملل و دوری از خوی استعمارگری در ارتباط با کشورهای ضعیف‌تر	۳۲۵
مدل جمهوری اسلامی در کمک به انسان‌ها	۳۲۹
د- پایبندی به لزوم آگاهی سیاسی مردم و ارتقاء آن	۳۳۲
ناآگاهی و جهل سیاسی مردم در آمریکا	۳۳۴

پیوست

بیراهه‌ای به نام خام‌فروشی ۳۳۹

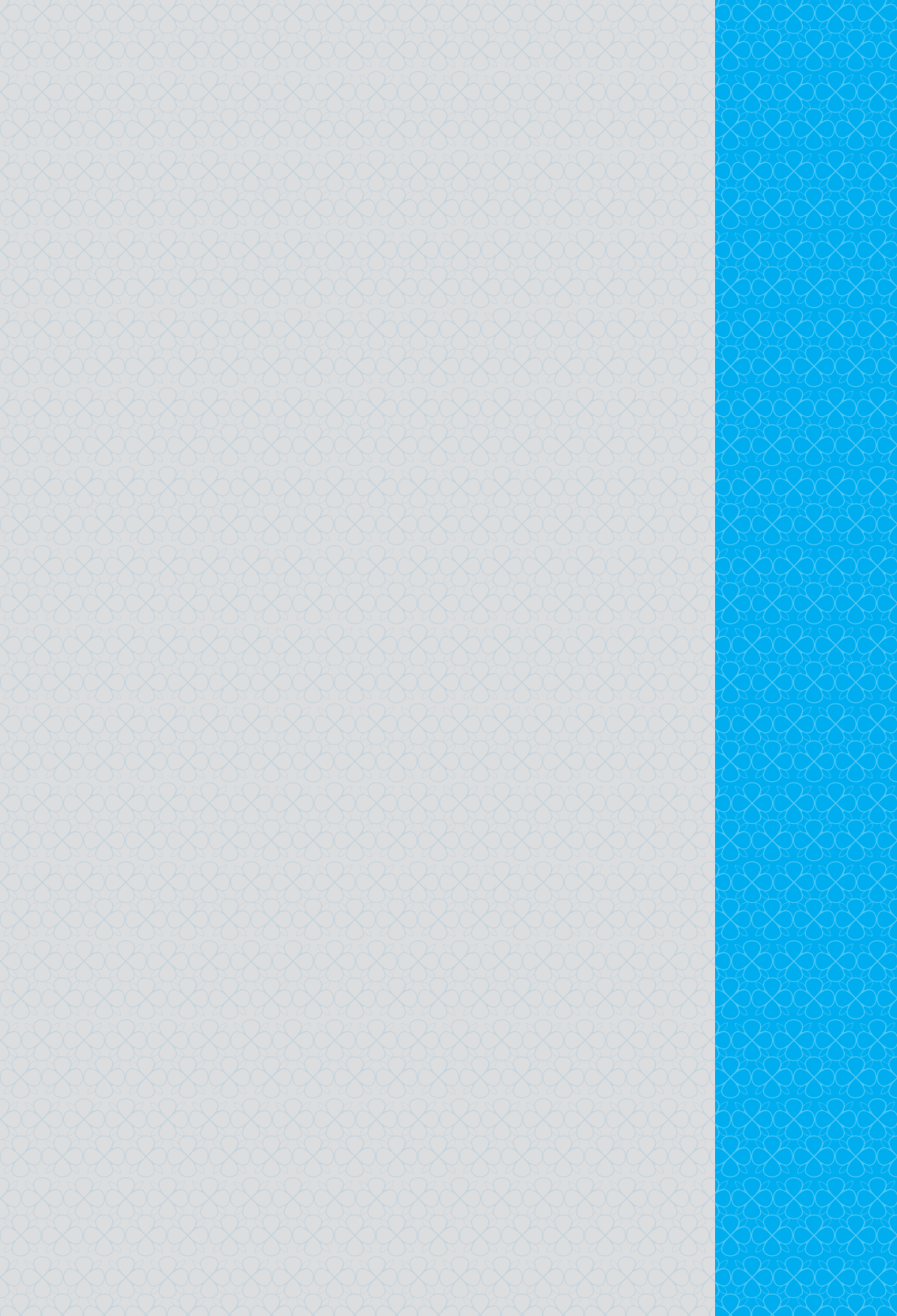
عربستان	۳۴۱
نرخ ارز ثابت؛ مکانیزم اجرا و پیامدها	۳۴۱
روند فزاینده تقاضای ارز و حجم نسبتاً ثابت درآمد ارزی	۳۴۲
تلاش‌های ناکام برای کاهش وابستگی به نفت	۳۴۶
آرژانتین ۱۹۹۰؛ سرانجام قطعی روند فعلی عربستان	۳۴۸
بقای عربستان در گرو بقای آمریکا	۳۵۱
تغییر راهبرد عربستان از واشنگتن به پکن	۳۵۱
ملتی ثروتمند، مردمی فقیر	۳۵۲
اختلاف طبقاتی در عربستان	۳۵۲
کمپین توییتری فقر در عربستان	۳۵۳
فقر را پنهان کنید!	۳۵۳
درآمد نفتی فوق العاده	۳۵۳
کووید ۱۹ و اثرات آن	۳۵۴

...

جمع بندی ۳۵۵

...

منابع کتاب ۳۶۳



مقدمه

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

دهه ۱۳۹۰ شمسی بود و انقلاب اسلامی ایران چهارمین دهه حیات خود را سپری می‌کرد. در همین روزها، دشمن شعار «ناکارآمدی جمهوری اسلامی» را سرداد و بدین ترتیب، هجمه شدیدی ضد جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

در آن دوران، کتاب «صعود چهل‌ساله» با هدف نمایاندن کارآمدی نظام اسلامی، توسط نخبگان تألیف شد که در داخل و خارج از کشور، با استقبال حیرت‌آور روبه‌رو گردید. این کتاب با تکیه بر آمارهای بین‌المللی اثبات نمود که جمهوری اسلامی با تمام فرازها و نشیب‌ها، راه پُرافتخاری را طی کرده و در حال صعود به سمت قلّه‌هاست.

با گذشت شش سال از تألیف آن کتاب و با وجود انتشار ویرایش جدید آن در سال ۱۳۹۹، دیگر بار پرسش‌های مهمی در ذهن مخاطب به وجود آمده است که پاسخ به آنها، بسیار ضروری می‌نماید. برخی از این پرسش‌های اساسی عبارتند از:

- ریشه مشکلات کشور چیست؟
- مسیر طی شده به سمت قلّه کدام است؟
- به راستی، آیا قطار جمهوری اسلامی از ریل خارج نشده است؟
- آیا مسائل پیش آمده از قبیل کاهش ارزش پول و ... طبیعی است؟
- و

پاسخ‌گفتن به این پرسش‌ها، نیازمند منظومه فکری جدیدی است که پردازش و نمایش آن، در بستر ویرایشی جدید امکان نمی‌پذیرد؛ بلکه باید در پژوهشی نو و در قالب کتابی جدید نمود یابد. با همین نگاه، پژوهشگران اندیشکده راهبردی سعده، پژوهش جدیدی را آغاز کرده و به مقایسه روند کشورهای ابرقدرت دنیا، از دژ تا قلّه و تطبیق حرکت آنان با جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. در پژوهش یادشده که به صورت کتاب حاضر مدوّن گشته است، مراحل صعود کشورها، بی‌راهه‌ها، موانع طبیعی و غیرطبیعی این مسیر بررسی شده و اثبات گردیده است که ریل‌گذاری جمهوری اسلامی ایران کاملاً صحیح و در راه رسیدن به اوج بوده است؛ یعنی همان چشم‌روشنی‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای عنه‌السلام، از آن چنین یاد کرده‌اند: «ما فصل مُشبعی را حرکت کرده‌ایم؛ این سربالایی، این شیب تند را عبور کرده‌ایم، به قلّه‌ها نزدیک شده‌ایم»^۲.

در پایان، مثل همیشه، از پژوهشگران با اخلاص و گمنام اندیشکده راهبردی سعده که با تحمل همه سختی‌ها، در حال جهاد عظیم و فوری تبیین هستند، صمیمانه تشکر و قدردانی نموده و امیدوارم خداوند شهادت در آغوشِ حجت‌بن‌الحسن عنه‌السلام را روزی این عزیزان و همه ما بگرداند.

والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته
سید محمدحسن راجر
مدیرانده‌یسکوه راهبردی سعده
۲۸ شهریورماه ۱۴۰۲
لیسه الرفائف
محمد مطهر علی بن موسی الرضی عنه‌السلام

۱. طولانی، مفصل.

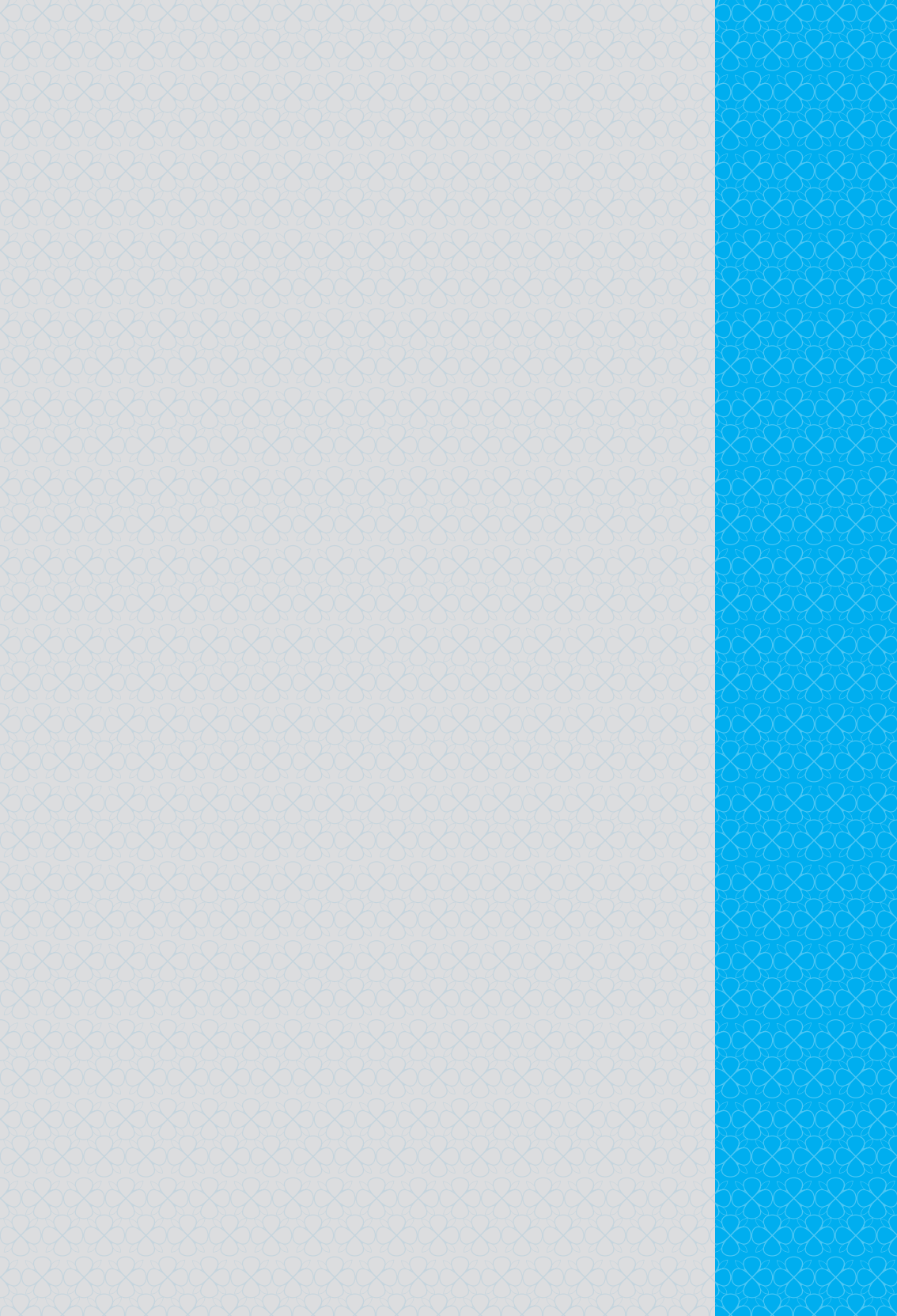
۲. بیانات مقام معظم رهبری عنه‌السلام در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲/۵/۲۶.

بخش اول

مراحل صعود ابرقدرتها

فصل اول

هلند



وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن

کشور هلند تا سال ۱۵۶۸ میلادی تحت حاکمیت امپراطوری هابسبورگ اسپانیا قرار داشت. وابستگی هلند به اسپانیا در این سال‌ها ابعاد مختلفی داشت؛ از جمله وابستگی سیاسی، وابستگی نظامی، وابستگی اقتصادی و حتی وابستگی مذهبی. مردم هلند موافق ادامه حیات زیر پرچم اسپانیا نبودند؛ چراکه این وابستگی موجب تحمیل هزینه‌های متعددی بر آنها شده بود.^۱

هلندی‌ها حق تصمیم‌گیری درباره قوانین کشورشان را نداشتند و بارها برای تصویب قانون اساسی خود به امپراطوری اسپانیا درخواست داده بودند؛ اما این درخواست‌ها با کارشکنی و مخالفت روبه‌رو شده بود. مردم مسیحی هلند، مذهب پروتستان را برای خود برگزیده بودند؛ اما به دلیل حاکمیت مذهب کاتولیک در امپراطوری هابسبورگ اسپانیا، مسیحیان پروتستان هلند به شدت سرکوب می‌شدند. جان دی باکر،^۲ اولین فرد هلندی بود که در سال ۱۵۲۵ میلادی به جرم گرویدن به آیین پروتستان، درحالی‌که به چوب بسته شده بود، زنده زنده در آتش سوزانده شد.

هزینه‌های وابستگی برای هلندی‌ها به این جا ختم نمی‌شد. کشور هلند، که از جهت اقتصادی به شدت به تجارت خارجی وابسته بود و عمده درآمد خود را از محل تجارت دریایی با دیگر کشورهای وابسته به امپراطوری اسپانیا به دست می‌آورد، مجبور بود برای تداوم حیات اقتصادی خود سیاست‌های اقتصادی تحمیلی از جانب اسپانیا را

1. Tracy, James D., *Holland Under Habsburg Rule, 1506-1566 The Formation of a Body Politic*, Berkeley: University of California Press, 1990, p. 50.

2. John D. Bakker.

تحمل کند. هلندی‌ها هم‌چنین مجبور بودند برای امنیت سفرهای دریایی خود در دریای بالتیک، به نیروی دریایی اسپانیا نیز هزینه‌های سنگینی پرداخت کنند.^۱

در اواسط قرن ۱۶ میلادی، امپراطوری هابسبورگ به علت بدهی بالای خارجی در معرض ورشکستگی قرار گرفته بود؛ لذا سعی می‌کرد با اعمال مالیات‌های سنگین بر مستعمرات و کشورهای وابسته به خود، کسری بودجه خود را جبران کند. افزایش مالیات‌ها در دهه ۱۵۴۰ میلادی، دامن تجارت دریایی هلندی‌ها را هم گرفت و آنها مجبور به پرداخت عوارض سنگینی به دولت اسپانیا شدند. از طرفی، امپراطوری اسپانیا در سال‌های افول خود مرتباً درگیر جنگ‌های خارجی در سطح اروپا بود و این جنگ‌ها تأثیر مستقیمی بر اصلی‌ترین منبع درآمد هلندی‌ها، یعنی تجارت خارجی، می‌گذاشت؛ چراکه کشورهای درگیر جنگ، همگی مقاصد تجاری هلندی‌ها را تشکیل می‌دادند و در دوران جنگ پول کافی برای تجارت با هلندی‌ها را در اختیار نداشتند. هم‌چنین این جنگ‌ها امنیت مسیرهای دریایی تجارت هلندی‌ها را هم به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. در یک جمله، اقتصاد هلند به شدت وابسته به تصمیمات اقتصادی و سیاسی امپراطوری اسپانیا بود و هزینه‌های این وابستگی در سال‌های میانی قرن ۱۶ میلادی به سطح غیر قابل تحملی رسیده بود.^۲

۱. انقلاب برای استقلال

هلندی‌ها در نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی، برای پایان دادن به تحقیرها و تحمیل قوانین پرهزینه امپراطوری اسپانیا تصمیم به انقلاب گرفتند که این اقدام آنها به شورش هلند یا جنگ استقلال هلند معروف شد. انقلاب هلندی‌ها ۴ مرحله را تا پیروزی کامل طی کرد.

در مرحله اول، که از سال ۱۵۶۶ آغاز شد و ۲ سال به طول انجامید، هلندی‌ها به رهبری

1. Tracy, James D., *Holland Under Habsburg Rule, 1506-1566 The Formation of a Body Politic*, Berkeley: University of California Press, 1990, p. 210.

2. Ibid., p. 116.

«ویلیام اورانژ»^۱ شروع به نافرمانی و شورش کردند و به حکومت اسپانیا درخواست خودمختاری دادند. حکومت اسپانیا در پاسخ، دوک آلبا^۲ را به همراه ارتش برای سرکوب معترضان فرستاد که در نتیجه بسیاری از معترضان، از جمله رهبران اصلی‌شان، اعدام شدند.

مرحله دوم انقلاب هلندی‌ها بین سال‌های ۱۵۷۲ تا ۱۵۷۶ میلادی صورت گرفت. در این مرحله انقلابیون موفق شدند چند شهر اصلی را در استان‌های شمالی به تصرف خود درآورند و ویلیام اورانژ را به‌عنوان حاکم سرزمین خود اعلام کنند. در این مرحله، انگلستان و فرانسه، که از رقبای اسپانیا بودند، از انقلابیون هلند حمایت کردند.

در مرحله سوم انقلاب هلند، که از سال ۱۵۷۶ میلادی آغاز شد و تا سال ۱۵۸۸ میلادی ادامه پیدا کرد، انقلابیون موفق شدند استان‌های شمالی را تحت عنوان «اتحادیه اوترخت»^۳ با خود متحد کنند. استان‌های جنوبی، که وفادار به امپراطوری اسپانیا بودند، به این اتحاد نپیوستند و «اتحادیه آراس»^۴ را تشکیل دادند. در این مرحله، انقلابیون هلند موفق به نظام‌سازی شده و تحت عنوان «جمهوری هلند» اعلام موجودیت سیاسی کردند.

اما هلندی‌ها بعد از مرحله نظام‌سازی، حرکت انقلابی خود را متوقف نکردند و مرحله چهارم انقلاب خود را تا سال ۱۶۴۸ میلادی، که به اوج قدرت خود به‌عنوان یک امپراطوری قدرتمند رسیدند، ادامه دادند. در این مرحله هلندی‌ها ابتدا به منسجم کردن نظام سیاسی و نیروهای نظامی خود پرداختند و سپس با قدرتمندسازی اقتصاد خود از طریق پیشرفت فناوری و نوآوری علمی، به سطحی از اقتدار رسیدند که در سال ۱۶۴۸ میلادی امپراطوری اسپانیا مجبور به صلح با آنان شده، جمهوری هلند را به رسمیت شناخت و دشمنی‌ها علیه آنان را پایان داد.^۵

1. William of Orange:

ویلیام ساکت یا ویلیام کم حرف که بیش‌تر در هلند با نام ویلیام نازنجی شناخته می‌شود.
۲. فرناندو پیمنتل، (۲۹ اکتبر ۱۵۰۷ - ۱۱ دسامبر ۱۵۸۲ میلادی)، معروف به دوک آلبای سوم.

3. Utrecht Union.

4. Aras Union.

5. <https://www.encyclopedia.com/history/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/dutch-revolt-1568-1648>.

۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها

هلندی‌ها در تمام مراحل انقلاب خود تا رسیدن به اوج قدرت، از طرف امپراطوری اسپانیا با مشکلات و موانع زیادی روبه‌رو شدند. بخشی از بحران‌سازی‌های امپراطوری اسپانیا در مسیر استقلال جمهوری هلند عبارت بودند از:

الف- جنگ خارجی

اسپانیا از ابتدای انقلاب هلند علیه انقلابیون اعلام جنگ کرد و ارتش خود را به مقابله با آنها فرستاد. این جنگ تا سال ۱۶۴۸ میلادی ادامه داشت و به جنگ ۸۰ ساله معروف شد. در مقابل، جمهوری هلند قدرت نظامی خود را برای غلبه بر مداخلات هابسبورگ از طریق چندین استراتژی کلیدی تقویت کرد.

اول، هلندی‌ها اصلاحات نظامی قابل توجهی را در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ میلادی انجام دادند. آنها با ابداع تاکتیک‌ها و روش‌های جدید آموزشی و هم‌چنین ساختارهای سازمانی نوآورانه، ارتش هلند را به یک نیروی نظامی چابک تبدیل کردند که به آنها اجازه داد به‌طور مؤثر با نیروی نظامی اسپانیا رقابت کنند.^۱

دوم، آنها توسعه نیروی دریایی خود را در اولویت قرار دادند. ناوگان دریایی خود را گسترش دادند و کشتی‌های جنگی هدف‌مند را با اسلحه‌های سنگین‌تر ساختند. این تمرکز به قدرت دریایی برای مقابله با مداخلات هابسبورگ بسیار مهم بود؛ زیرا به هلندی‌ها اجازه می‌داد تا بر راه‌های اصلی و مسیرهای تجاری کنترل داشته باشند و در نتیجه تحرکات نظامی اسپانیا را محدود کرده، خطوط تدارکات آنها را مختل کنند.^۲ علاوه بر این، جمهوری هلند اهمیت تخصیص بودجه کافی برای نیروی نظامی را درک کرد. علی‌رغم اینکه جمهوری هلند با فشار مالی قابل توجهی روبه‌رو بود، هزینه نظامی

<https://www.oxfordreference.com/display/10.1093/oi/authority.20110803095736876>.

<https://www.studocu.com/en-gb/document/university-of-wolverhampton/history/the-dutch-revolt/39400677>.

1. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995, pp. 253 & 267.

2. Ibid., p. 767.

خود را برای گسترش و نوسازی نیروهای مسلح خود افزایش داد. این تعهد مالی نسبت به بودجه نظامی، هلندی‌ها را قادر ساخت تا نیروهای نظامی، استحکامات و تجهیزات خود را همواره در شرایط مناسبی که نسبت به حملات دشمن بازدارندگی ایجاد کنند، حفظ کند.^۱

در کنار این راهبردها، هلندی‌ها برای توسعه زیرساخت‌های غیرنظامی و انجام پروژه‌های عمرانی همواره از نیروی نظامی خود بهره می‌بردند. آنها اصرار داشتند که ارتش را تابع اولویت‌ها و الزامات غیرنظامی و نیازمندی‌های عمرانی کشور قرار دهند. این رویکرد نه تنها ثبات جمهوری هلند را تضمین کرد، بلکه کارآمدی و انضباط ارتش را نیز در شرایط غیر جنگی پرورش داد.^۲

ب- ترور رهبران

امپراطوری هابسبورگ اسپانیا بارها رهبران انقلاب هلند را به امید پایان دادن به قیام استقلال طلبانه هلندی‌ها به قتل رساند. مهم‌ترین رهبر انقلاب هلند، ویلیام اورانژ، که در مرحله سوم انقلاب به عنوان حاکم و فرمانروای اتحادیه اوترخت برگزیده شده بود، در سال ۱۵۸۴ میلادی ترور شد و به قتل رسید. اما از دست دادن عناصر اصلی انقلاب، حرکت هلندی‌ها را در مسیر استقلال متوقف نساخت و آنان انقلاب خود را تا پیروزی نهایی به پیش بردند.^۳

ج- فشار و تحریم اقتصادی

اقدامات اقتصادی امپراطوری هابسبورگ علیه انقلاب هلند، در درجه اول با هدف ایجاد اختلال در تجارت هلند (اصلی‌ترین منبع درآمد هلندی‌ها) و جلوگیری از رونق اقتصادی آن بود. امپراطوری، اقدامات متعددی را برای ممانعت از تجارت هلند و فلج کردن اقتصاد آن انجام داد. یکی از این اقدامات، تسخیر شهر مهم تجاری آنتورپ

1. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995, p. 818.

2. *Ibid.*, p. 267.

3. Motley, John L, *The Rise of the Dutch Republic*, Harper & Brother, Publishers, 1856, Vol. 3.

بود که سهم مهمی از تجارت هلندی‌ها داشت. اسپانیایی‌ها با بستن بندرگاه‌ها و مسیرهای دریایی اصلی تجاری مانند بندر لیسبون پرتغال بر روی هلندی‌ها، تجارت هلند در دریای بالتیک را بسیار دشوار ساختند. تجارت بالتیک به قدری برای اقتصاد هلند مهم بود که به آن لقب «مادر تجارت» داده بودند.^۱

هلندی‌ها برای فائق آمدن بر این بحران و خنثی‌سازی تحریم تجاری اسپانیا با دو مشکل روبه‌رو بودند: اول اینکه مقاصد تجاری هلندی‌ها زیر سلطه اسپانیا بودند. دوم نیز اینکه صنعت کشتی‌سازی هلند قادر به ساخت کشتی برای تجارت در مسیرهای طولانی‌تر نبود.

هلندی‌ها برای عبور از این تحریم به مهندسی معکوس و نوآوری در صنعت کشتی‌سازی روی آوردند و توانستند با اختراعات مهمی در این صنعت، کشتی‌های سبک‌تر، با ظرفیت باری بیش‌تر قادر به طی مسافت‌های طولانی‌تر بسازند. آنها با این اقدام، تجارت خود را فراتر از دریای بالتیک گسترش دادند و حتی در ماجراجویی دریایی خود به هندوستان نیز رسیدند. آنها توانستند با تجارت ابریشم و ادویه از هند به کشورهای مختلف اروپایی، تحریم تجاری اسپانیا را بی‌اثر ساخته، منافع اقتصادی بسیاری به دست آورند.^۲

۳. پیشرفت علمی و پر کردن شکاف فناورانه

همان‌طور که گفته شد، یکی از اصلی‌ترین استراتژی‌های هلند برای عبور از بحران‌ها و کاهش وابستگی به امپراطوری اسپانیا، نوآوری‌های علمی و اختراعات مهم صنعتی بود. اما اولین گام هلند در این راستا، گسترش آموزش عمومی و راه‌اندازی مراکز علم‌آموزی بود.^۳ در نتیجه اقدامات جمهوری هلند در حوزه آموزش، نرخ سواد در این کشور در مقایسه با دیگر کشورهای اروپا به میزان بالایی رسید. مدارس دولتی و

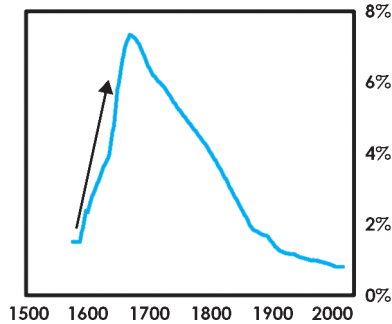
۱. به دلیل اهمیت و نقش بالای تجارت در اقتصاد هلند، برای آن چنین تعبیری را استفاده می‌کردند.

2. Findlay, Ronald and Kevin H. O'Rourke, *Power and Plenty: Trade, War, and the World Economy in the Second Millennium*, New Jersey: Princeton University Press, 2007, pp. 175-176.

3. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995, p. 2.

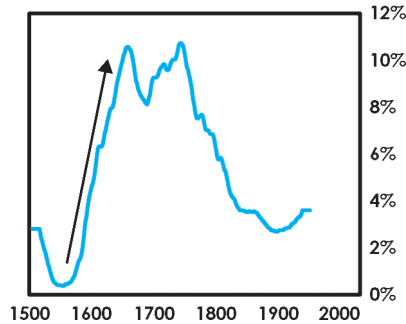
خصوصی و هم‌چنین دانشگاه‌ها و آکادمی‌های تخصصی، گسترش قابل توجهی پیدا کردند و نیز سهم هلند از اختراعات و نوآوری‌های جهانی به اوج خود رسید.

NLD UNIVERSITIES FOUNDED (% WLD)



تصویر ۱: سهم کشور هلند از مجموع دانشگاه‌های تأسیس شده در دنیا^۱

NLD BOOKS PUBLISHED (% WLD)

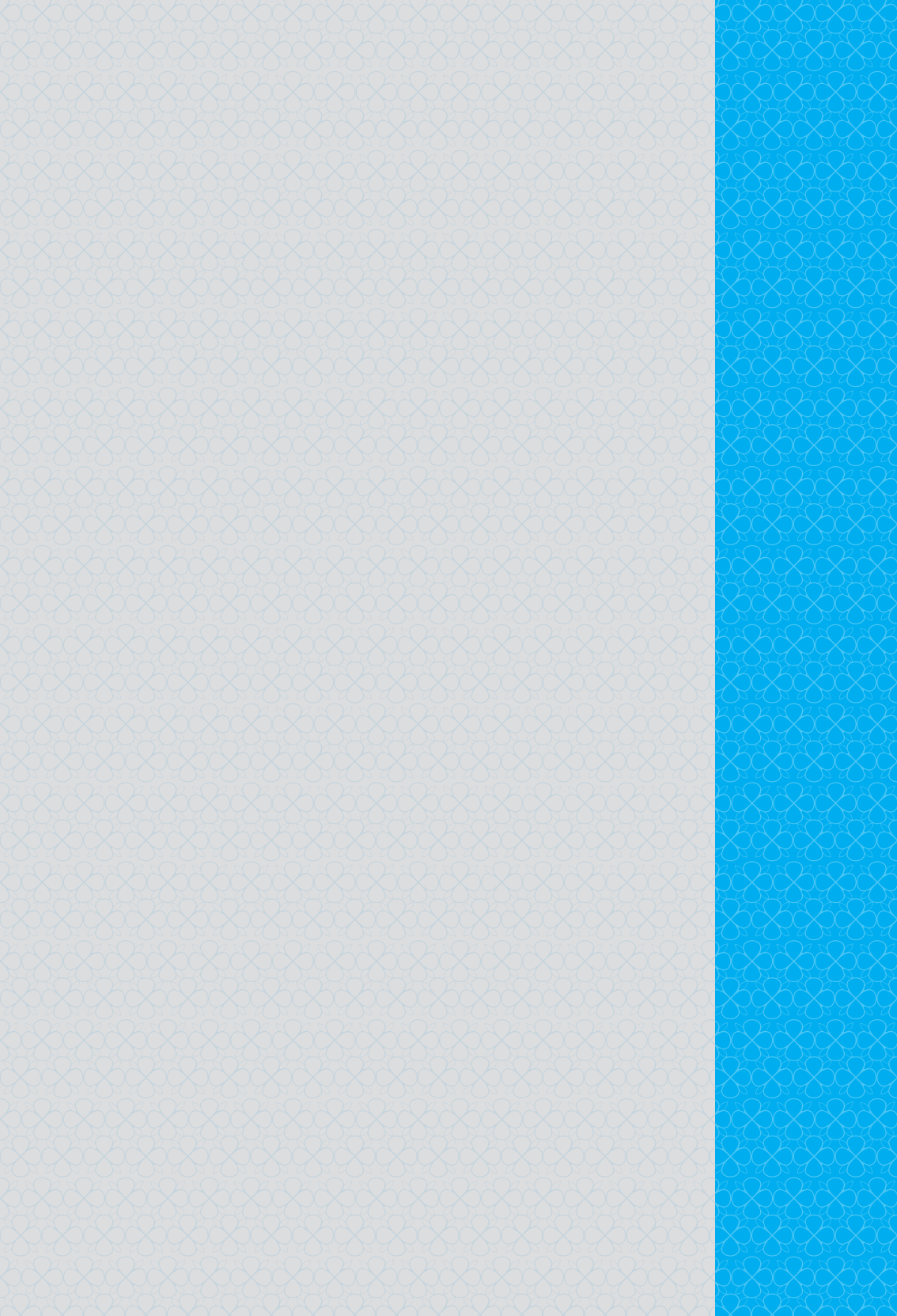


تصویر ۲: سهم کشور هلند از مجموع کتاب‌های منتشر شده در دنیا^۲

1. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York: Avid Reader Press, 2021, p. 260.
2. Ibid.

بخش دوم

مسیر طی شده توسط ایران



وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن

دوران قاجار

اقتصاد ایران از دوران باستان تاکنون، فراز و فرودهای متعددی را طی کرده است. از دیرباز، تولیدات صنعتی شهرهای ایران متنوع و مرغوب بود. ایران تقریباً شرایط خوبی برای دست یافتن به یک تجارت گسترده و پیشرفته را داشت؛ خاک خوب، نزدیکی به دریا و شهرهای بندری، اراضی حاصلخیز، معادن غنی و.... شهرهای ایران، خصوصاً آنها که بر سر راه‌های تجاری قرار داشتند، با وجود توسعه نیافتگی راه‌ها، از استعداد صنعتی و بازرگانی زیادی برخوردار بودند.^۱

ریشه فعالیت‌های صنعتی ایران به قرن شانزدهم و هفدهم میلادی که مقارن با حکومت سلسله صفویه می‌باشد، باز می‌گردد. ایران در آن دوره، کشوری صنعتی محسوب می‌گردید و کالاهای تولید شده توسط صنایع دستی آن به کشورهای دیگر صادر می‌شد. صنعت بومی ایران و رشته‌های وابسته به آن به‌ویژه در دوره صفویه و در هنگام سلطنت شاه‌عباس اول در اوج پیشرفت قرار داشت.^۲ با آغاز قرن نوزدهم میلادی که مقارن با شروع انقلاب صنعتی در اروپا بود، ایران دچار جنگ‌های داخلی و خارجی گردید و به شدت زیان دید. ضعف علمی و صنعتی که از اواخر صفویه شروع شده بود و تا زمان تأسیس سلسله قاجار ادامه داشت، در دوره قاجار با سیاست‌های استعماری روس و انگلیس تشدید گردید و «ضعف» به «عقب‌ماندگی» تبدیل شد.

۱. محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران، ص ۵.

۲. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، ص ۱۶۹.

در دوره قاجاریه، نفوذ سرمایه‌داری غرب باعث شد که اقتصاد ایران پس از گذشت قرن‌ها، سرانجام تحت سلطه غرب قرار گیرد و زمینه وابستگی آن به سرمایه و اقتصاد جهانی فراهم شود. در دومین انقلاب صنعتی که کشورهای اروپایی به فکر بازارهای خارجی برای فروش کالاهای خود افتادند، کشورهایمانند ایران در دام اقتصادی غرب افتادند. همین موضوع باعث شد تا اقتصاد ایران در دوره قاجار عموماً روزگار خوشی را نگذراند.

در این دوران، ایران محل رقابت دو قدرت روسیه و انگلیس بود. بر اثر این رقابت بود که کشور به حالتی نیمه استعماری تبدیل شد و ادغام آن در بازارهای جهانی، سرآغاز از بین رفتن بازارهای کوچک و محلی، رشد تجارت خارجی، صدور مواد خام، زوال صنایع دستی، اعتماد به مصرف مصنوعات غربی و به‌طور کلی وابستگی اقتصادی به قدرت‌های استعماری بود. از طرفی توازن پرداخت‌ها بر هم خورده و قرض‌های خارجی افزایش یافت. همچنین قدرت‌های استعماری بر مؤسسات اقتصادی مانند بانک‌ها، گمرک‌ها و بازارهای محلی و بازرگانان و اصناف سلطه قابل توجهی پیدا کردند.^۱

در پی معاهدات تجاری و نفوذ اقتصادی روسیه و انگلیس، سیل عظیمی از مصنوعات صنعتی غرب به‌ویژه انگلستان و روسیه به بازارهای داخلی هجوم آورد. روند تصاعدی ورود کالا به ایران اختلال عظیمی در اقتصاد ایران به وجود آورد، این روند بخش اعظم ثروت‌های ملی ایران از جمله مسکوکات نقره و طلا را روانه امپراتوری‌های بزرگ مالی و صنعتی بین‌المللی نمود و مانع از سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و توسعه کارخانه‌های مدرن گردید.^۲ در نتیجه؛ صنایع بومی ایران به تدریج دچار زوال شد. فروپاشی بازارهای داخلی، زوال صنایع ملی و در نتیجه خام‌فروشی را در پی داشت. در این بین، دولت‌های روس و انگلیس در کنار پرداخت وام‌های متعدد به سلاطین قاجار، با کسب امتیازات رنگارنگ اقتصادی و تجاری سلطه اقتصادی و سیاسی خویش را در ایران مستحکم نمودند.^۳

۱. احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران در دوره قاجار، ص ۴۶.

۲. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۷۶.

۳. جولیان باری پر، اقتصاد ایران، صص ۲۱-۲۲.

سلطه دولت‌های استعمارگر بر اقتصاد ایران

در ایران عصر قاجار، به‌ویژه در بعد از جنگ‌های ایران و روس، فرصتی برای اصلاحات از بالا به دست «عباس میرزا»^۱ فراهم شد. در این برهه از زمان، وضعیت اقتصاد و دولت مرکزی، هر دو ضعیف بودند. همچنین به دنبال شکست‌های نظامی ایران از روسیه و تحمیل قراردادهای گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) و نیز معاهده بازرگانی ایران و انگلیس در سال ۱۸۴۱، نفوذ دولت‌های استعمارگر در امور اقتصادی ایران افزایش یافت. آنها و بازرگانان اروپایی به کسب امتیازهای سیاسی و تجاری در ایران نائل شدند و این امتیازها، اسبابی را برای نفوذ به درون اقتصاد ایران فراهم نمود.^۲

سرتاسر عهدنامه‌های سیاسی و تجاری این دوران، به ضرر تجارت و سرمایه‌داری تجاری و صنعتی ایران تمام شد. طبق عهدنامه ترکمانچای، حق گرفتن فقط ۵ درصد وجه گمرک از کالاهای روسی متداول شد که چنین حقی را بعدها انگلیس، فرانسه، آمریکا و سایر دولت‌های اروپایی نیز برای تجار خود از ایران گرفتند. این در حالی بود که تجار ایران، علاوه بر گمرکات، در شهرهای مختلف هم باید به راهداری‌ها مبالغی پرداخته و این رسم گرفتن ۵ درصد گمرک از کالاهای خارجی باعث فلاکت تجار ایرانی و وفور مصنوعات ارزان قیمت خارجی در ایران شد.^۳ انگلیس‌ها از اواسط قرن نوزدهم، به واسطه امتیازات گسترده‌ای که از دولت ایران گرفتند - که حداقل ۳۵ مورد آنها همراه با پرداخت رشوه‌های کلان به مقامات ایرانی بود^۴ - نفوذ گسترده‌ای در اقتصاد ایران پیدا کردند. آنها در سال ۱۸۶۲ امتیاز ایجاد خطوط تلگرافی و در سال ۱۸۷۲ امتیاز کشیدن راه‌آهن از دریای خزر تا خلیج فارس، استخراج معادن، تأسیس بانک، ساخت آسیاب، کارخانجات، راه، کشیدن تلگراف و اداره گمرکات را در قالب قرارداد رویترا، به مدت ۲۵ سال در اختیار گرفتند. پادشاه ایران با اعتراض روس‌ها به امتیاز رویترا، در سال ۱۸۷۴ امتیاز تأسیس خط‌آهن را به روس‌ها واگذار کرد.

۱. ولیعهد ایران در فاصله سال‌های ۱۷۹۹ تا ۱۸۳۳ م.

۲. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۶۰۵.

۳. شبنم بزرگر، اندیشه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی در عصر ناصرالدین شاه، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ش ۱، صص ۲۲۲-۲۲۳.

۴. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۳۴۹.

در سال ۱۸۷۸ شاه، قزاقخانه را به دولت روس واگذار و به استخدام افسران روسی برای لشکر قزاق پرداخت. سپس در سال ۱۸۸۸ انگلیسی‌ها امتیاز کشتیرانی در کارون را به دست آوردند و در سال ۱۸۸۹ امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی با حق انحصاری انتشار اسکناس را کسب کردند. در سال ۱۸۹۰ روس‌ها امتیاز بانک استقرایی را از دولت ایران گرفتند. در همین سال انگلیسی‌ها امتیاز تولید، فروش و صادرات توتون و تنباکو را به دست آوردند و در سال ۱۹۰۱ امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت را به خود اختصاص دادند. به سبب این امتیازات - که تعداد آنها ۳۸ مورد است - تجارت خارجی ایران در دوره قاجار در عمل در دست دولت‌های بزرگ قرار گرفت.^۱

نابودی تولید داخلی ایران

موج انقلاب صنعتی دوم که به پیشرفت فتاورانه در صنایع اروپا انجامید، در ایران قاجار، ورود و بروزی نداشت و چرخه تولید در ایران به مرور از توان رقابت با صنعت اروپا، که منجر به تولید انبوه و ارزان می‌شد، بازمی‌ماند. اگرچه در این برهه از تاریخ، صنایع تولیدی ایران از جمله صنعت نساجی، از نظر کیفیت محصولات در سطح بالاتری نسبت به محصولات خارجی قرار داشتند، اما واردات اجناس ارزان قیمت صنعتی، هرچند با کیفیت پایین‌تر، به عنوان خطری جدی برای آینده تولید داخل به حساب می‌آمد. در این بین، عامل مهمی که از صنعت داخلی در برابر هجوم واردات حفاظت کرده و به آن فرصت پیشرفت و کسب توان رقابت می‌داد، تعرفه‌های وضع شده بر اجناس خارجی بود. چارلز عیسوی، پژوهشگر سرشناس مصری، درباره تاریخ اقتصادی خاورمیانه می‌گوید: «منسوجات که از اقلام مهم صادراتی ایران بود، یکی از اقلام وارداتی شد». وی هم‌چنین با سه نقل قول از سفیر انگلیس می‌افزاید:

تجار و بازرگانان کاشان در سال ۱۸۴۴ یادداشتی به شاهنشاه عرضه کردند و در آن از وی خواستند تا از امر بازرگانی آنها که در نتیجه رواج کالاهای اروپایی در مملکت لطمه زیادی خورده است، حمایت کند.

۱. رجوع کنید به: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران.

او در سال ۱۸۴۸ میلادی می‌گوید: «کالاهای تولیدی انگلیس، به شدت جای کالاهای پنبه‌ای و ابریشمی ایران را گرفته است». وی بار دیگر در سال ۱۸۴۹ میلادی از کاشان گزارش می‌دهد:

از مدت‌ها پیش در نتیجه تجارت با اروپا - که به تدریج در سرتاسر مملکت گسترده شده و باعث از بین رفتن بسیاری از صنایع محلی گردید - کالاهای تولیدی ایران به سرعت روبه انحطاط رفته است.

سازندگان کالاهای دستی و زراعی برای تولید بهینه محصول تلاش نمی‌کردند و محصولات ایران به دلیل نامرغوبی، در خارج با اقبال روبرو نبودند. بی‌اعتنایی دولت قاجاریه به اهل علم، همه برای این اوضاع آشفته مزید بر علت بود.^۱

ناترازی تجاری

در طول دوره قاجار رشد تجارت خارجی ایران به دلیل عدم توسعه اقتصادی داخلی قابل ملاحظه نبوده است. نتیجه رشد تقاضای اروپا برای محصولات اولیه و فشار قدرت‌های اروپایی (هم به طور مستقیم و هم از طریق اعمال تعرفه‌های ترجیحی) برای فروش محصولات تولیدی خود، حجم و ترکیب صادرات و واردات ایران را تغییر داد و پیامدهای نامطلوبی برای اقتصاد ملی داشت.^۲ به دنبال از دست دادن سرزمین‌های شمالی و شرقی و تحمیل عهدنامه‌ها؛ ایران از یک اقتصاد جهانی به اقتصاد حاشیه‌ای تنزل پیدا کرد و در تقسیم کار اقتصادی به صدور مواد اولیه و خام اکتفا نمود. انگلستان با استفاده از قدرت نظامی در رسیدن به هدف‌های دیپلماتیک، قدرت تجاری خود را در خلیج فارس تثبیت کرد و آن را به بزرگ‌ترین طرف تجاری ایران تبدیل نمود. از آن طرف، روسیه نیز ترکیب دادوستد با ایران را به الگوی استعمار کلاسیک تبدیل نمود.^۳

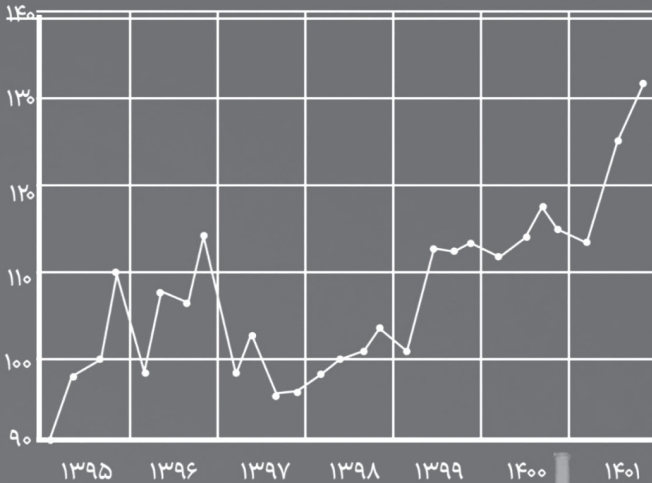
۱. شبینم بزرگر، اندیشه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی در عصر ناصرالدین شاه، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ش ۱، ص ۲۲۱.

2. THE POLITICAL ECONOMY OF MODERN IRAN, Despotism and Pseudo- Modernism, 1926-1979, Homa Katouzian, p 37.

۳. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۱۸۰.

افزایش شاخص تولید

تغییرات فصلی شاخص تولید از سه ماهه اول سال ۱۳۹۵ الی سه ماهه سوم سال ۱۴۰۱



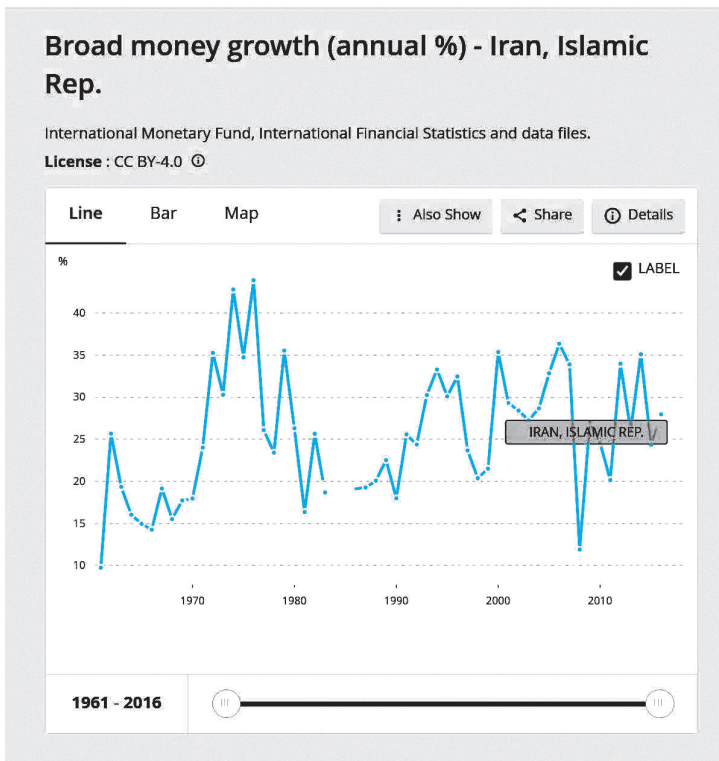
تصویر ۵۵: افزایش شاخص تولید/ منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها به نفع تولید

کنترل و مدیریت نقدینگی

مانند دیگر کشورهایی که مراحل ۸ گانه صعود اقتصادی را پیمودند، عبور از بحران‌ها، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مانند زیرساخت‌های آموزشی، حمل و نقل، بهداشت و سلامت و ... در کنار هزینه‌های حمایت از بخش‌های مولد و همچنین پرداخت یارانه‌های گوناگون برای کاهش فشار اقتصادی ناشی از بحران‌سازی‌های اقتصادی دشمن، جمهوری اسلامی نیز با مسئله کسری بودجه و نیاز به استقراض از بانک

مرکزی و چاپ پول بدون پشتوانه روبه‌رو بود. البته مسئله کسری بودجه صرفاً به دلیل حرکت استقلال طلبانه جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد به وجود نیامده است. کسری بودجه دولت و چاپ پول بدون پشتوانه عاقبت همه دولت‌هایی است که بیراهه خام فروشی را به دلیل هموارتر بودن نسبت به مسیر استقلال برگزیده‌اند. همان‌طور که رکورددار کسری بودجه و چاپ پول در کشور ما محمدرضا پهلوی در اواسط دهه ۵۰ شمسی است که اتفاقاً تحریم نبود و بیشترین فروش نفت را نیز داشت.



تصویر ۵۶: میزان رشد نقدینگی/منبع: بانک جهانی^۱

1. <https://data.worldbank.org/indicator/FM.LBL.BMNYZG?locations=IR>.

اما عدم مدیریت صحیح رشد نقدینگی و هدایت آن به سمت بخش‌های غیر مولد در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی خصوصاً دولت دوازدهم ضربات بزرگی به اقتصاد کشور وارد کرد. در مراحل صعود دیگر کشورها نیز مشاهده کردیم که چاپ پول بدون پشتوانه چه تورم‌های سنگینی را در قرن ۱۶ برای بریتانیا، در قرن ۱۷ برای هلند، در دهه ۱۸۶۰ برای آمریکا و در دهه ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ برای آلمان به همراه داشت. حال این مسئله کشورهای امروزی را بیش از پیش نیز رنج می‌دهد چرا که در قرن‌های گذشته به دلیل صعوبت ضرب سکه طلا و نقره و سرعت پایین چرخش پول، رشد نقدینگی با سرعت پایین‌تری به روی تورم اثر می‌گذاشت. دلیل دیگر آنکه در قرن‌های گذشته به دلیل عدم وجود دموکراسی و انتخابات دولت‌ها با آزادی عمل بیشتری برای جبران کسری بودجه اقدام به اخذ مالیات از مردم می‌کردند ولی در کشورهای امروزی افزایش مالیات می‌تواند یک دولت را به کلی از عرصه حاکمیت ساقط کند. لذا در چند دهه گذشته و خصوصاً پس از کنار گذاشتن استاندارد طلا برای چاپ دلار، ابرتورم‌های چند هزار درصدی در جهان بیشتر شد و کشورهای بیشتری مانند ترکیه و آرژانتین از محل رشد نقدینگی به ورطه نابودی کشیده شدند.

اما در ایران، کسری بودجه دولت‌ها به استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول انجامید. چاپ پول ایجاد تورم کرد و ارزش ریال تضعیف شد. حال بانک‌ها - که ذخایرشان به ریال است - دارایی‌های خود را در حال تضعیف شدن می‌دیدند. لذا اقدام به تبدیل ریال‌هایشان به مسکن، سکه و دیگر کالاهای سرمایه‌ای کردند. از طرفی ابر بدهکاران بانکی نیز صلاح خود را در باز پس ندادن دیون دیدند؛ چراکه اگر حتی یک سال نیز دیون ریالی خود را دیرتر پرداخت می‌کردند، پول کم ارزش‌تری را باید به بانک برمی‌گرداندند. این دو مسئله منجر به ناترازی بانک‌ها گردید و بانک مرکزی به ناچار برای حفظ اعتماد مردم به سیستم بانکی، ناترازی بانک‌ها را با استقراض و چاپ پول جبران کرد تا بانک‌ها بتوانند تعهدات خود را به سپرده‌گذاران ادا کنند.

دهه ۱۳۹۰ برای اقتصاد ایران یکی از تلخ‌ترین بازه‌های زمانی از حیث رشد نقدینگی ناشی از بدهی دولت و بانک‌ها به بانک مرکزی بود. دولت یازدهم در سال ۹۲ در حالی آغاز به کار کرد که ۱۰۳ هزار میلیارد تومان به نظام بانکی بدهی داشت و در پایان هشت